

جریان‌شناسی تاریخی علم کلام دینی - شیعی در عصر صفوی

محسن بهرام‌نژاد*

چکیده

علم کلام از الزامات جداناپذیر دین و مذهب است و همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در قوام‌سازی بنیادهای فکری و ایمانی آن ایفاء کرده‌است. متولیان این علم با رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران عصر صفوی در طول تقریباً دو و نیم قرن این فرصت را بدست آوردند تا به بازاندیشی در آراء کلامی پیشینیان بپردازند. در این جستار فرایند تحول تاریخی علم کلام تحت تأثیر دو مشرب عقلی و اخباری از حیث دستاوردهای کمی با تکیه بر منابع همان دوران و به روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌است. رویکرد تاریخی مورد استفاده در این پژوهش نشان می‌دهد که در نیمه اول حکومت صفوی تا زمان شاه‌عباس اول متکلمان شیعی تحت تأثیر روش عقلائی خواجه نصیر طوسی، با شرح و تفسیر جدید، آثار کلامی قدما را احیاء و به دفاع و بسط اصول اعتقادی شیعه در برابر مذهب رقیب یعنی تسنن پرداختند. اما در نیمه دوم حکومت صفوی، علم کلام با چیرگی روش اخباری بر ساحت آموزش علوم دینی تا حدود بسیاری از روش استدلالی

*دانشیار تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین. bahramnejad1345@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲



خواجه نصیر فاصله گرفت، و تنها کوشش‌های ملاصدرا با دفاع و ادغام روش مشائی و اشراقی در مطالعه علوم دینی مانع از آن شد تا علم کلام تسلیم محض اخباریون شود. علاوه بر بازشناسی مسائل سنتی کلام دینی در برابر تسنن، تقابل با جریان‌های انحرافی صوفیان و مبشران مسیحی موضوعات تازه‌ای بودند که محور تدوین مکتوبات کلامی شیعه در این نیمه قرار گرفتند.

کلیدواژه‌ها: صفویه، علم کلام، تشیع، عقلی، اخباری.

۱. مقدمه

هدف علم کلام تبیین بنیادهای دین و دفاع از آن در برابر نگاه‌های نقادانه پیروان سایر مذاهب اسلامی و ادیان دیگر است و از این نظر جزو نخستین علوم اسلامی به شمار می‌رود. گسترش این علم در فرهنگ اسلامی را می‌توان بیشتر محصول رویدادهای سیاسی، فکری و مذهبی دانست که متفکران هر کدام در قالب یک گفتمان مسلط از راه آموزش و تألیفات متعدد به گسترش و دفاع از آن می‌پرداختند. شاید بتوان گفت، مهم‌ترین مسائلی که در رشد علمی و روشمندی علم کلام در یک دوره نقش مؤثری داشته است رویدادهای سیاسی، رسمیت یافتن یک مذهب خاص دینی، شکل‌گیری مجادلات روش‌شناسانه در بستر علمی و شکل‌گیری روابط جدید اجتماعی و فرهنگی در قالب مناسبات سیاسی و اقتصادی با پیروان سایر ادیان و یا مذاهب بوده است. مطالعه تاریخ ایران در دوران اسلامی نشان می‌دهد که از این نظر عصر صفوی در مقایسه با ادوار پیش از آن اهمیت بسیار زیادی دارد و علم کلام بیش از هر زمان دیگری به محیطی پر حادثه به لحاظ کمی و کیفی در ابعاد موضوعی و روش‌شناسانه تبدیل شده است. این رویداد ایران را به کانونی مهم در حوزه فعالیت‌های کلامی تبدیل ساخت و دستاوردهای علمی آن نیز به نوعی در شرق تا ماوراءالنهر و هند گسترش یافت. در حالی که در غرب جهان اسلام که در سیطره حاکمیت امپراتوران عثمانی قرار داشت و در عین حال همانها داعیه خلافت بر جهان اسلام را داشتند و زمینه مهاجرت و تجمع اندیشمندان مسلمان از اطراف را در استانبول فراهم آوردند اما در این قطب جدید علمی هرگز جهش تازه‌ای در حوزه علم کلام به وقوع نپیوست، بلکه

همچنان بر مدار سنت و آراء متکلمین پیشین اهل سنت سیر نمود و تقریباً در مواجهه با مسائل فکری و اعتقادی جدید که به دنبال گسترش روابط با جهان مسیحیت غرب روی داد منفعلانه عمل کردند. هر چند که در تقابل با جریان شیعی گری در ایران شاهد مخالفت و انکار عقاید آنان هستیم، اما این نیز بر همان دیدگاه و سنت کهن تاریخی قرار داشت و از هر نوع روش و موضوع نوآورانه تهی بود (حیدرزاده، ۱۳۷۵، صص ۹۴-۹۹).

در چشم انداز عمومی علم کلام در دفاع از دین و شریعت در میان حوادث سیاسی و فکری عصر صفوی با سه جریان فکری مواجه شد. از یک سوی مذهب تشیع امامی در پیوند با نظام سیاسی صفویه به مذهب رسمی در ایران تبدیل شد و از سطح یک اقلیت کوچک مذهبی به سطح یک مذهب عمومی و ملی در برابر مذاهب سنت ارتقاء یافت و به همان میزان مذاهب سنت تقلیل یافته و به یک گروه کوچک تبدیل گشتند؛ از سوی دیگر علم کلام با طریقت‌های متعدد صوفیانه‌ای مواجه شده بود که هم از سده هفتم هجری به دنبال گسترش اجتماعی آن به نوعی به مذهب غالب در جامعه ایران تبدیل شده، و هم سهم چشمگیری در شکل‌گیری، پیروزی و استقرار دولت شیعی صفویه در ایران ایفاء کرده بودند؛ و بالاخره سومین رویداد فکری که علم کلام را به چالش فرامی‌خواند ورود مسیحیت به ایران در قالب فرقه‌های تبشیری متعدد است که به ویژه در سده‌های یازده و دوازده هجری به سرعت گسترش یافته و در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران با احداث کلیسا، آزادانه در میان ایرانیان مسیحیت را تبلیغ و ترویج می‌کردند. این سه جریان علم کلام دینی شیعی را بیش از هر زمان دیگری به تکاپوی علمی واداشت و اندیشمندان این عرصه نیز تلاش کردند با پاسخ‌گویی به شبهات مطروحه در برابر تسنن، تصوف و مسیحیت، بنیادهای آن علم را استحکام بخشند. پرسش اصلی این تحقیق در همین است که متکلمان شیعی در آن دوره بیشتر با تکیه بر کدام روش علمی در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر اهتمام ورزیدند؟ پرسش مذکور این مدعا را رقم زد که متکلمان در مرحله آغاز این دوران با تکیه بر میراث کلامی خواجه نصیر طوسی روش عقلی را برگزیدند، و سپس در میانه آن دوران به روش اخباری روی آورده و بعضاً نیز با انتخاب ترکیبی از آن دو روش (عقلی- اخباری) به راهکار تازه‌ای در تحقق اهداف علمی خود می‌اندیشیدند. بررسی‌های اولیه پژوهش حاضر نیز ضمن تأیید ادعای فوق این واقعیت را آشکار ساخت که کلام دینی-

شیعی در این دوران به بالاترین سطح رشد علمی خود در مقایسه با گذشته دست یافت و متکلمان، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه در بسط معارف دینی-شیعی شناخته‌شده و در بالاترین سطح علمی میراث کم‌نظیری را در حوزه مباحث علم کلام در دو سطح روش‌شناسانه مذکور از خود به یادگار باقی گذاشتند. پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی بدون آنکه خواسته باشد به مباحث ساختاری و محتوایی علم کلام وارد شود در صدد توصیف و تحلیل این مهم برآمده‌است.

۲. مذهب رسم، بستر شکل‌گیری فعالیت‌های کلامی

پیروزی سیاسی صفویان در سال ۹۰۷ق و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران سرآغاز یک رشته فعالیت‌های جدیدی در حوزه علوم دینی است که پیش از این در جامعه ایران کمتر نظیرش را می‌توان شاهد بود. در حالی که بیرون از سرزمین ایران و در قلمرو مصر و یمن از سوی اسماعیلیان فاطمی و زیدیان در مفهوم عمومی تفکر شیعی چنین فعالیت‌هایی رقم خورده بود، و هرکدام میراث ارزشمندی از فرهنگ کلامی شیعه برجای گذاشته بودند (مادلونگ، ۱۳۷۷). صفویان نسبت به مذهب تشیع امامی نگاه وحدت‌گرایانه‌ای را در کنار قدرت سیاسی خود دنبال می‌کردند که گاه در ابتدا برای دستیابی به چنین هدفی از بکارگیری زور و شمشیر در برابر مخالفان هرگز تردیدی به خود راه نمی‌دادند (خواندمیر، ۱۳۳۵، ج ۴، صص ۵۲۸-۵۲۷؛ عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳، ۳۷۲-۳۷۱). به نظر می‌رسد صفویان این شیوه را تا قرار گرفتن اندیشمندان شیعی در کنار حکومت نوپای خود ادامه دادند، اما از آن پس عملی ساختن این هدف مهم نیازمند اتخاذ روش‌های بنیادی‌تری بود که برپایه آن می‌توانستند به هدف دینی خود در ساختار قدرت دست‌یابند. حمایت از عالمان مذهبی و نقش‌پذیری آنان در تصمیمات دینی حکومت و نهادینه کردن امور دینی با ایجاد مناصب رسمی و تقسیم وظایف تعریف شده در میان آنها راهکارهای مطمئن‌تری بودند که مورد توجه جدی آنان قرار گرفت. آنها از آن پس تقریباً رسالت دینی خود را به عالمان مذهبی واگذار کردند و آنان نیز در همسویی با نظام سیاسی و مذهبی صفویه دو وظیفه و هدف مهم را مجدداً دنبال کردند. نخست هدایت معنوی و مذهبی توده‌های جامعه در انجام وظایف شرعی؛ و دیگری تعلیم و تربیت شاگردان و متخصصان

دینی و تلاش همه جانبه برای توسعه علوم دینی-شیعی بود. وظیفه دوم اهمیت راهبردی بیشتری در جامعه صفوی داشت و هر گونه اتخاذ روش‌های ساده‌انگارانه می‌توانست بنیادهای اعتقادی مذهب شیعی را در برابر رقیبان مذهبی دچار سستی و اضمحلال بسازد. از این رو، روی‌آوری به روش یا روش‌های تبیینی در شرح و بیان مسائل اعتقادی شیعه به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل گشت. آنچه مسلم است در این اهتمام، متکلمان و فقیهان شیعه پیشگام بوده و هرکدام در دو بعد جداگانه-یکی در تقابل با شکاکان دینی و مذهبی، و دیگری در حل مشکلات و شبهات عبادی و عمومی رایج در میان مردم-حرکت تازه‌ای را آغاز کردند که با نشیب و فراز تا پایان صفوی ادامه یافت.

۳. مسأله کاربرد روش‌های تبیینی در علم کلام

در واقع موضوع علم کلام به عنوان یکی از شاخه‌های مهم علوم اسلامی به بحث و بررسی درباره اعتقادات دینی اختصاص دارد، و همواره متولیان آن علم نیز که متکلم نامیده می‌شوند در طول تاریخ اسلام در مواجهه با شبهات و پرسش‌هایی که از سوی پیروان مذاهب و ادیان در برابر اصول شریعت اسلام مطرح می‌کرده‌اند به پاسخ و دفاع از آن عقاید می‌پرداختند. این دفاعیات که غالباً با تکیه بر نص (قرآن و حدیث) و حکمت (عقل) انجام می‌گرفت زمینه‌های تبیین و تثبیت اصول اعتقادی را فراهم آورد، و آثار فاخری که در این خصوص به قلم آن اندیشمندان در گذر تاریخ آن علم به نگارش درآمده است غالباً به عنوان منبعی مهم در آموزش تعالیم دین و یا پرسش‌ها و مناظرات و مجادلات با دیگران مورد استفاده قرار می‌گرفت. از این رو، علم کلام در مقام یک علم دینی به موجب آن دو روش کاربردی، گاه در شاخه علوم نقلی و گاه در مجموعه علوم عقلی جای گرفته است (همایی، ۱۳۶۳، ص ۵).

هر یک از مذاهب اسلامی در علم کلام فرایند تاریخی نسبتاً متفاوتی را پشت سر نهاده‌اند. علم کلام شیعه، بالخصوص امامیه، نیز مراحل تکوین، گسترش، تدوین و تبیین در چنین چشم‌اندازی قابل بررسی است. اما آنچه در این باره و در یک نگاه اجمالی در اینجا می‌توان ذکر کرد این است که آن علم به جهت ساختاری از عصر نبوت تا زمان صفویه به دوره‌های تاریخی تکوین، گسترش، تدوین موضوعی، تبیین و تنظیم موضوعی، ساختارمندی آن

تحت تأثیر فلسفه و دوران شرح و تلخیص آثار کلامی پیشینیان تقسیم پذیر است. در این فاصله شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق) کتاب‌های کلامی الاعتقادات، التوحید، کمال‌الدین والغیبه را با رویکردی نقلی نوشت. اما شیخ مفید (۴۱۳ق) در رساله تصحیح الاعتقاد، النکت فی المقدمات، الاختصاص و الافصاح فی الامامه، و همچنین شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق) در کتاب اصول العقاید، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد والغیبه، مسائل علم کلام را با صبغه عقلی بررسی و تدوین کردند و در نهایت خواجه نصیر طوسی علم کلام را با فلسفه مشائی درآمیخت و با ایجاد نظام کلامی جدید تأثیر شگرفی بر آموزش و مباحث کلامی دوران پس از خود داشت؛ به گونه ای که تا زمان ملاصدرای شیرازی غالب متکلمان شیعه امامی با مبنا قرار دادن همان روش کلامی خواجه نصیر تنها به شرح و تلخیص آثار کلامی گذشتگان روی آوردند (نعمانی، ۱۳۲۸، ج ۱، صص ۱۴-۱۲).

۴. آثار کلامی شیعه در نیمه اول حکومت صفوی

می‌توان گفت که در دوران صفوی قبل از ملاصدرا هیچ‌گونه تغییر خاصی در علم کلام به لحاظ روش تبیینی و موضوعی بوجود نیامد. در این مرحله نیز مباحث کلامی مسائل توحید، صفات سلبی و ثبوتی خداوند، نبوت و امامت، عصمت انبیاء و امامان، عدالت و معاد اصلی ترین اصول اعتقادی را تشکیل می‌دادند که بر پایه آثار قدما و با تکیه بر روش‌های نقلی و عقلی شرح و تلخیص شدند. گستردگی آثار کلامی در این دوره به میزانی است که امکان ارائه و معرفی همه آنها در این مختصر وجود ندارد. اما برخی از مشهورترین متکلمان و آثار خاص کلامی آنان تا زمان ملاصدرا را بدین شرح می‌توان نام برد:

نخست می‌توان از حسین بن عبدالحق اردبیلی مشهور به الاهی (متوفی ۹۵۰ق) یاد کرد که در علم کلام آثار متعددی همچون حاشیه بر شرح تجرید العقائد قوشچی، شرح رساله اثبات الواجب جلال‌الدین دوانی، حاشیه بر شرح المواقف شریف جرجانی، و تاج المناقب در شرح فارسی فضائل و دلایل امامت ائمه (ع) را به نگارش درآورد (افندی، ۱۴۰۱، ج ۲، صص ۹۸؛ معجم طبقات المتکلمین، ۱۳۸۳، ج ۳، صص ۲۷۷-۲۷۶). حسین بن علی بن ابی سروال بحرینی (زنده در ۹۵۶ق) نیز که مدتی را در ایران زندگی کرده و شرحی بر رساله

تأملی تاریخی بر سیر منطق سینوی در عصر صفوی ۱۶۷

النجمیه در کلام و فقه از کرکی، و شرحی بر رساله واجب الاعتقاد علی جمیع العباد از علامه حلی را نوشته در میان متکلمان شهرت بسیاری دارد (افندی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۴۲). همچنین، عزالدین ابوالحسن علی بن احمد ایبوردی کاشانی (۹۶۶-۹۳۳ق) صاحب چند رساله مهم در علم کلام است که عبارت اند از: کتاب روض الجنان در کلام و حکمت عقلی، اثبات الواجب و نیز کتاب دیگری در کلام احتمالاً به درخواست پریخان خانم دختر شاه طهماسب اول به زبان فارسی نوشته است و ارکان الایمان فی الامامت نام دارد (همان، ج ۵، ص ۴۳۵؛ امین، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۲۲). احمد بن محمد تمیمی قزوینی (زنده در ۹۷۲ق) نیز رساله ای منظوم در کلام و در خصوص خواص اسماء الله سرود که اقدامی مهم در این خصوص به شمار می رود (طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۷۰). معاصر با وی ابوالفتح بن مخدوم حسینی عربشاهی (متوفی ۹۷۶ق) که مورد احترام شاه طهماسب اول قرار داشت کتاب منهاج الباب در شرح باب الحادی عشر از کتاب فی اصول الدین علامه حلی (متوفی ۶۴۸ق) را به نگارش درآورد، و یا حاشیه ای بر افضل التفضیل از کتاب شرح تجرید العقاید علی بن محمد قوشچی (متوفی ۱۷۹ق) را نوشت (افندی، ۱۴۰۱، ج ۵، صص ۴۸۶، ۴۹۲). احمد بن محمد اردبیلی (متوفی ۹۹۳ق) مشهور به مقدس اردبیلی نیز که صاحب چند رساله در کلام است همچون حاشیه بر الهیات از کتاب شرح تجرید العقاید قوشچی، اصول الدین، رساله فی کون افعال الله تعالی، النص الجلی فی امامت علی (ع) و ربیع الابرار در اثبات حقانیت امامت ائمه (ع) و همچنین کتابی به زبان ترکی به نام عقاید الاسلام را نوشت (حسینی تفرشی، ۱۴۰۴، صص ۲۹، ۳۵). حسین بن عبدالصمد حارثی آثاری چون الاعتقادات الحقه و رساله در مناظره بعضی از علمای حلب در مسأله امامت را در کلام نوشت (افندی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۰۸). فخرالدین سماکی چندین رساله در شرح آثار کلامی متکلمان گذشته تألیف کرد که عبارت اند از: حاشیه بر الهیات از کتاب تجرید العقاید قوشچی، تعلیقات بر المواقف عضدالدین ایجی، حاشیه بر مبحث اثبات الواجب از کتاب روض الجنان ابوالحسن ایبوردی، و نیز حاشیه بر اثبات الواجب محمد بن اسد دوانی (مدرس تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۶۷). تاج الدین ابومحمد کرکی عاملی (متوفی ۹۹۳ق) که از نوادگان محقق کرکی بود مناظرات بسیاری با میرزا مخدوم شریفی صاحب کتاب نواقض الروافض داشت، و حاصل این گفتگوها رساله ای است در علم کلام که به نام المناظرات مع المیرزا مخدوم فی الامامه

مشهور است (حسینی تفرشی، ۱۴۰۴، ص ۱۸۸؛ افندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۳۱). میرمحمد حسین مجتهد کرکی (متوفی ۱۰۰۱ق) رساله ای به نام شاه طهماسب اول در علم کلام نوشت که به رساله الطهماسبیه فی الامامه نام دارد (حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۹). نظام‌الدین احمد دشتکی شیرازی (متوفی ۱۰۱۵ق) که از نوادگان غیاث‌الدین منصور دشتکی است و به سلطان حکما و سید علما در زمان خود شهرت داشت چندین رساله به روش استدلالی در کلام تألیف کرد که عبارت‌اند از: اثبات الواجب‌الکبیر فی توحیدالله مع صفاته، اثبات الواجب‌الوسیط و اثبات الواجب‌الصغیر (همان، ج ۲، ص ۹). میرزا ابراهیم همدانی (متوفی ۱۰۲۶ق) نیز که از مشاهیر علم کلام در همان دوره است از او در این علم دو رساله به نام‌های حاشیه بر شرح قوشچی بر کتاب تجریدالاعتقاد خواجه نصیر طوسی، و شرحی بر اثبات الواجب جلال‌الدین دوانی مشهور است (افندی، ۱۴۰۱، ج ۱، صص ۹، ۲۸). از آثار مهمی که در کلام به شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰ق) منسوب است عبارت‌اند از رساله الاعتقادات که به شرح مختصر شیعه امامی و سایر فرقه‌های شیعه همچون زیدیه، کیسانیه و واقفه اختصاص یافته، و نیز رساله‌ای که در پاسخ به سؤال‌های ابن‌شدقم مدنی (متوفی ۱۰۳۳ق) در خصوص مناقشاتی که درباره امامت و عصمت وجود داشته نوشته است، و دیگری رساله‌ای فارسی است در کلیات علم کلام شیعه (حسینی تفرشی، ۱۴۰۴، ص ۳۰۳؛ حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۵). عبدالخالق کروهرودی (زنده در ۱۰۳۸ق) مشهور به قاضی زاده نیز از متکلمان است که در زمان شاه‌عباس اول قاضی قم بود. او در مناظره‌ای که با موسی بن محمد رومی اهل عثمانی و معروف به قاضی زاده در دربار شاه‌عباس در باب امامت و خلافت تشکیل شد حضور داشت، و حاصل آن رساله‌ای کلامی به فارسی است که به نام تحفه شاهیه مشهور است. او در علم کلام رساله دیگری به نام کتاب فی الامامه دارد که به همان زبان نوشته است (افندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۹۱؛ طهرانی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۵۶ و ج ۷، ص ۳۲۸).

محمد امین استرآبادی (متوفی ۱۰۳۶ق) حتی پیش از آنکه به مخالفت با روش اصولی و عقلی در مطالعات دینی بپردازد غالب آثار کلامی وی که عبارت‌اند از: دانشنامه شاهی به زبان فارسی در مسائل مختلف علم کلام، الفوائد الاعتقادیه و هی فوائد کلامیه و فلسفیه فی التوحید، و رساله الفوائد المکیه فی اثبات الواجب و توحیده و علمه تعالی و اثبات قدرته، و رساله در بدهاء با تکیه بر روش عقلی و استدلالی نوشته است (حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲،

ص ۲۴۶). اما پس از تألیف کتاب فوائد المدنیه که به نفی اجتهاد و تقلید در احکام دین پرداخت و بر نص‌گرایی در دانش دینی و مذهبی تأکید کرده‌است، توانست محیط علمی و آموزشی ایران عهد صفوی را شدیداً تحت تأثیر این طرز فکر قرار دهد. با این حال این روش در علم کلام تأثیر چندانی نداشت، بلکه باید این موضوع را بیشتر در حوزه علم فقه جستجو کرد (رضوی، ۱۳۸۵، ص ۶۰). بنابراین می‌توان گفت که علم کلام با حفظ همان صبغه عقلی-فلسفی و با تأکید بر روش مشائی خود، که میراث مهم خواجه نصیر طوسی بود، تا حدود بسیاری در پس چالش‌های میان اخباریون و متکلمان عقل‌گرا و فیلسوف تداوم یافت. چنانکه پس از فیلسوف متکلمی چون محمد باقرین محمد استرآبادی (متوفی ۱۰۴۰ق)، صاحب رسائل کلامی مهمی چون تقویم الایمان، رساله جبر و تفویض، ایقاعات در کلام و فلسفه، رساله در توحید، اثبات ولایت علی (ع)، رساله در خلق اعمال و افعال انسان، رساله در حدوث و قدم، قضا و قدر، و حاشیه ای که بر حاشیه خفزی بر شرح تجرید الاعتقاد طوسی، شرایط لازم برای ابداع روش ملاصدرا در تلفیق روش‌های مشائی و اشراقی در مطالعه علم کلام، فلسفه و عرفان بوجود آمد، و بدین طریق دانش کلام پس از چند قرن که از روش کلامی خواجه نصیر سپری می‌گشت دارای چارچوب و نظام جدیدی شد که همچنان تا دوران معاصر اهمیت آن حفظ شده و باقی مانده‌است. مهم‌ترین آثار کلامی ملاصدرا عبارت‌اند از: پنج رساله در اثبات مبدأ و چگونگی معاد شامل حشر العوام فی معاد الاشیاء و حشرها، الحکمه العرشیه، المعاد الجسمانی (زاد السالک، زاد المسافر)، المبدأ و المعاد، المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه، و سایر آثار کلامی وی به نام خلق الاعمال یا جبر و تفویض القدر و افعال العباد، القضاء و القدر فی افعال البشر مشهور است. ضمن آنکه کتاب الشواهد الربوبیه او نیز که از آثار مهم فلسفی است خالی از موضوعات کلامی مانند مسئله توحید و نبوت نمی‌باشد (افندی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۶؛ مدرس تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۴۲۰؛ امین، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۰۲).

۵. چالش میان متکلمان در استفاده از روش

جدال میان اصحاب حدیث و عقل در تاریخ علوم اسلامی سابقه طولانی‌ای دارد. عبدالجلیل قزوینی صاحب کتاب النقض در سده ششم هجری آشکارا از کشمکش فکری علمای شیعه

در قالب دو اصطلاح اخباری و اصولی سخن به میان می‌آورد (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، صص ۲۳۶-۲۳۵، ۵۲۹، ۵۶۹-۵۶۸). اما پنج قرن طول کشید تا سرانجام اخباریون توانستند روش عقلی در تفسیر و تبیین کلام دینی را کم رنگ سازند. این موفقیت تقریباً در میانه تاریخ سیاسی حکومت صفوی اتفاق افتاد، و زمامداران آن سلسله در این چالش فکری به دو دلیل مهم، بیشتر از اندیشه و مشرب اخباریون جانبداری می‌کردند. نخست اینکه مطابق عقیده اخباریون اتکا و استفاده از عقل و اجتهاد در فقه و کلام تشیع که تحت تأثیر مذاهب سنت در گذشته رواج یافته آن را امری ناپسند می‌شمردند (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۴)؛ و دوم آنکه صفویان در برابر دشمن سیاسی و مذهبی خود یعنی عثمانی‌ها که به پشتوانه پیروان اهل سنت داعیه خلافت بر جهان اسلام را داشتند، برای تقویت بنیادهای مذهب حکومتی خود تروج و حمایت همه جانبه از کلام و اخبار امامان معصوم (ع) را رسالت خود می‌پنداشتند. چنانکه این رویکرد سبب شد تا در نیمه دوم حکومت صفوی نفوذ فقیهان و متکلمان اخباری در ساختار حکومت و نهاد دینی و آموزشی جامعه گسترش یافته و بر جنبه‌های فقهی حکومت آنان رنگ تازه‌ای بخشیده شود (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۸۲).

اخباریون پیروزی فکری خود را بیشتر وام‌دار تلاش‌های ملامحمدامین استرآبادی می‌دانند. شخصیتی که ابتدا در نزد استادان اصول‌گرایی همچون محمدبن علی جبعی و حسن بن زین‌الدین شاگردی کرده و در کلام و استنباط احکام دینی کاملاً متأثر از آنان بود. اما بعدها جمیع احادیث را در حضور پدر زنش میرزا محمد استرآبادی آموخت و از اصولیان فاصله گرفت و به تشویق همان محدث در صدد احیای روش اخباریون برآمد. ملامحمدامین استرآبادی بعد از آنکه به مدینه سفر کرد در طی اقامت خود در آن شهر کتاب الفوائد المدنیه را نگاشت و در آن به طرح آراء خود و رد روش مجتهدان پرداخت. او در مخالفت با اصولیان بر دو نکته تأکید داشت. نخست آنکه اساساً علم اصول را از مبدعات اهل سنت می‌پنداشت که وارد مطالعات فقه و کلام شیعه شده است، و دوم آنکه در روش کلامی-اصولی با توجه به تأکیدی که بر اعتبار عقل در استنباط احکام شرعی وجود داشت، معتقد بود که سبب شده است تا از اهمیت و اعتبار احادیث به عنوان مهم‌ترین ادله استنباطی بعد از قرآن به شدت کاسته شود. بر همین اساس او روش عقلی و اجتهاد را معیار قابل اطمینانی در فهم مسائل فقهی و کلامی نمی‌دانست، و از این نظر جایگاه علمی اندیشمندان شیعه در

فقه و کلام از شیخ مفید تا شهید ثانی را به باد استهزاء و انتقاد می‌گرفت و آنان را در تفقه و کلام پیرو مکتب اهل سنت می‌پنداشت (استرآبادی، ۱۳۶۳، صص ۳۰، ۴۹، ۱۷۷، ۱۸۰). این جبهه‌گیری تقریباً با اقبال همگان روبه‌رو شد و گرایش به روش اخباری تدریجاً در مراکز علمی ایران، عراق و بحرین گسترش یافت و جدال با اصولیون و روش آنان از حدود مناظرات و مباحثات علمی خارج شد و عالمان شیعه زبان به طعن و لعن یکدیگر گشودند و آشکار و پنهان به خصومت با یکدیگر می‌پرداختند.

فضای فکری- فرهنگی ایران در طول یکصد سالی که از حیات سیاسی صفویان باقی مانده بود و عاقبت به دست افغانه ساقط شد کاملاً تحت تأثیر روش کلامی- اخباری قرار گرفت. بیشترین مدارس صفوی در همین سالها ساخته شد و مدارس اصولی قدیم یا از اعتبار افتادند و یا در آموزش طلاب دینی به روش اخباری روی آوردند. در این سالها آموزش حدیث در کنار کلام و فقه بیش از گذشته اهمیت یافت و محدث و فقیه و متکلم ملازمت جداناپذیری یافتند و مهم‌ترین منابع کلامی بر پایه احادیث نیز در همین دوران تألیف شدند. با این حال در این شرایط خاص همچنان عالمانی هم بودند که در حوزه مسائل کلامی با تکیه بر روش عقلی- اصولی اهتمام می‌ورزیدند. از این نظر در این یکصد سال متکلمان را می‌توان به دو دسته اخباری و عقلی (فلسفی) تقسیم کرد:

۵-۱. متکلمان اخباری

بعضی از اندیشمندانی که بر بسط و گسترش مشرب اخباری استرآبادی تأکید می‌ورزیدند و با تولید آثار جدید کلام دینی-روایی به دو زبان عربی و فارسی جنب‌وجوش تازه‌ای را آغاز کردند ابتدا می‌توان از سلطان حسین بن سلطان محمد استرآبادی (۱۰۸۰-۹۹۴ق) یاد کرد. او مؤلف کتاب تحفه المؤمنین به زبان فارسی در اصول دین و عبادات و مواعظ است، و همچنین رساله فارسی دیگری دارد در اصول دین و فروع آن که بر اساس باب حادی عشر از کتاب علامه حلی تدوین شده و به رساله سعیدیه معروف است (افندی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۵۴). دیگری عبدالوحید بن نعمه الله گیلانی (متوفی ۱۰۸۰ق) است. وی از شاگردان شیخ بهایی است و گرایش اخباری داشت و صاحب چندین رساله در علم کلام است که مهم‌ترین آنها دو کتاب به نام سرمایه سعادت در علم کلام و گنج سعادت در بیان حقایق

اسماء خداوند است که به زبان فارسی نوشته‌است (همان، ج ۳، ص ۲۸۴؛ مدرس تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۱۱۷ و ج ۶، ص ۲۹۱). رضی‌الدین قزوینی (متوفی ۱۰۹۶ق) نیز که از شاگردان ملا خلیل قزوینی بود تمایلات اخباری داشت و کتابی به نام الجبر و التفویض در علم کلام را به نگارش درآورد (حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۶۰). از محمد طاهر بن محمد حسین قمی (متوفی ۱۱۰۰ق) آثار متعددی در علم کلام نام برده شده است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: حق‌الیقین فی معرفه اصول‌الدین و سفینه‌النجاه در توحید، عدل، نبوت و امامت است که به زبان فارسی نوشته‌است (همان، ج ۲، ص ۱۳۳). محمدباقر بن محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ق) از مشاهیر بزرگ متکلمان محدث است و جدای از کتاب بحارالانوار وی که حاوی احادیث متعددی در خصوص مسائل کلامی در باب عقاید دینی، توحید، صفات ثبوتیه و سلبيه و قضا و قدر و کفر و ایمان و معاد و امامت است، آثار مستقلی نیز در علم کلام دارد که می‌توان از الاعتقادات، البداء، النجاه، جبر و تفویض، سؤال و جواب در مقوله امامت و اثبات رجعت را نام برد که تماماً به زبان فارسی تألیف شده‌اند (افندی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۳۹). همچنین، جعفر بن عبدالله بن ابراهیم حویزی (متوفی ۱۱۱۵ق) صاحب کتاب اصول‌الدین به فارسی (امین، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۱۳۹)، و ابوالحسن بن محمد طاهر عاملی اصفهانی غروی مشهور به ابوالحسن شریف (متوفی ۱۱۳۸ق)، صاحب ضیاءالعالمین فی الامامه و حقیقه مذهب الامامیه از دیگر افرادی هستند که در مجموعه گروه متکلمان اخباری همان دوره قرار می‌گیرند (مدرس تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۳، صص ۲۱۱، ۳۵۴).

۵-۲. متکلمان فیلسوف

متکلمان اصولی در واقع از یک سو مروجان سنت و مشرب خواجه نصیر طوسی بودند، و از سوی دیگر روش مشائی و اشراقی ملاصدرای شیرازی. آنان علم کلام را تا سطح یک دانش فلسفی ارتقاء بخشیدند و به همان میزان مرز جدایی میان فیلسوف و متکلم را از میان برداشتند. این رویداد جهش تازه‌ای در پیشرفت کلام شیعی به ویژه در برابر متکلمان اهل سنت بوجود آورد. یکی از مشاهیر این مشرب در یکصد سال پایانی حکومت صفوی علی نقی بن محمد هاشم طغانی کمره‌ای (متوفی ۱۰۶۰ق) بود. او به دعوت امام قلی‌خان در زمان

شاه صفی اول به شیراز رفت و سالهای طولانی متولی امر قضاوت در آن بلاد بود، رساله کلامی جامع الصفوی وی که به زبان فارسی بوده و به موضوع امامت اختصاص یافته است شهرت زیادی دارد. کمره‌ای این کتاب را در رد عقیده نوح‌بن مصطفی حنفی (متوفی ۱۰۷۰ق) مفتی عثمانی که به کفر شیعه فتوا داده بود، نوشت. علاوه بر این، او چند رساله دیگر در مباحث کلامی چون حدوث و قدم عالم و اثبات واجب دارد که اهمیت بسیاری دارند (افندی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۷۱؛ حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۰۸). شخصیت دیگر، نظام‌الدین گیلانی (۱۰۶۶-۹۹۳ق) است. او صاحب آثار متعدد کلامی چون الجبر و التفویض، مناظره مع علماء الهند فی العقائد و شجره دانش به زبان فارسی و عربی است که شامل ده رساله است و تعدادی از آنها به علم کلام به نام های اثبات الواجب، قضا و قدر، کیفیه الاعتقاد فی مذهب الحق اختصاص یافته است (مدرس تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۰ و ج ۶، ص ۱۹۹). همچنین، می‌توان از عبدالرزاق فیاض لاهیجی (متوفی ۱۰۷۲ق) نام برد. غالب آثار فلسفی وی همچون شوارق الالهام و گوهر مراد به موضوعات کلامی همچون توحید و عدل آمیخته است. در همین سده ملا رجبعلی تبریزی (متوفی ۱۰۸۰ق) که بسیار مورد احترام شاه‌عباس دوم قرار داشت دو رساله کلامی به نام اثبات الواجب و کلید بهشت به انضمام مسائل مبدأ و معاد را به زبان فارسی نوشت (افندی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۸۳). صاحب کتاب ریاض العلماء از ملا خلیل قزوینی (۱۰۸۹-۱۰۰۱ق) آشکارا به عنوان متکلم اصولی نام می‌برد و سه رساله از وی در علم کلام به نام‌های قضا و قدر، فی الامر بین الامرین و تعلیقات بر رساله توحید شیخ صدوق را ذکر می‌کند (همان، ص ۲۶۱). محمدباقر سبزواری (متوفی ۱۰۹۰ق) دو کتاب در علم کلام دارد که عبارت‌اند از: رساله العقاید الجامعه و دیگری شرحی بر رساله توحید شیخ صدوق که هر دو به زبان فارسی نوشته شده‌اند (حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۵۰). رسائل کلامی آقا حسین خوانساری (۱۰۹۸-۱۰۱۶ق) در این حوزه‌اند و جدای از حاشیه‌ای که بر حاشیه دوانی و قوشچی بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیر نوشته است دو کتابش در کلام به نام‌های رساله جبر و اختیار، و رساله فی دفع شبهه الایمان و الکفر اهمیت قابل توجهی دارند (افندی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۵۷؛ حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۱). سلیمان بن محمد گیلانی تنکابنی (زنده در ۱۰۹۸ق) نیز از فلاسفه متکلم همان دوره است و چند رساله مهم به زبان فارسی در علم کلام به وی منسوب است که شامل

رساله توحید و صفات ثبوتیه و سلبيه، و رساله معاد است (معجم طبقات المتکلمين، ج ۳، ص ۴۳۵).

با این حال در این فاصله عالمانی هم بودند که در علم کلام صاحب هر دو رویکرد عقلی و نقلی بوده و می‌کوشیدند با تلفیق میان آن دو، آشتی لازم را میان دو روش بوجود آورده و محیط مدرسی را به سمت آن هدایت کنند. اما این اهتمام در سایه نام اخباریون که آموزش عقل و فلسفه را آشکارا در مدارس نفی کرده بودند با اقبال عمومی همراه نشد. یکی از این کوشش‌گران عبدالله بن حسن شولستانی شیرازی (متوفی قبل از ۱۱۰۰ق) بود. او با این مشرب رساله‌ای به نام اصول‌الدین بالادله‌العقلیه و کتاب دیگری به نام اصول‌الدین بالادله‌التقلیه را به نگارش درآورد (افندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۰۵).

۶. علم کلام و مباحث جدید آن در عهد صفوی

روند تلاش‌های علمی در حوزه کلام دینی-شيعی میان اندیشمندان صفوی تنها به مباحث سنتی و یا کلاسیک آن محدود نشد. بلکه به تدریج دو جریان فکری عرصه آن علم را تحت تأثیر قرار داد و به همان میزان به بخش مهمی از تألمات متکلمان تبدیل شد و هرکدام نیز با تکیه بر روش‌های مورد اشاره در صدد نفی و یا تبیین آن برآمدند. این رویداد فکری که در نوع خود تازگی داشت فضای جدیدی را برای مناظرات و نگارش آثار کلامی بوجود آورد. مهم‌ترین این مسائل یکی عرفان و تصوف بود و دیگری مسیحیت.

۶-۱. علم کلام و جریان عرفان و تصوف

اگرچه صفویان با تکیه بر اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه در مقام مرشد کامل به قدرت سیاسی دست یافتند و سر سلسله آنان شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز یکی از مشاهیر بزرگ عارفان به شمار می‌آمد. اما در طی سال‌های حکومت آن خاندان، تصوف سیاسی به واسطه رفتارهای زیادی خواهانه و افراط‌گرایانه خود آسیب‌های فراوانی را بر مبانی فکری و اخلاقی تصوف وارد ساخت. به طوری که به موازات گسترش فرهنگ تشیع و نفوذ عالمان در ایران، مبارزه با صوفیان چه از جانب شاهان صفوی-به ویژه از عهد شاه طهماسب اول به بعد- و چه از سوی عالمان دینی به یک امر جدی در جامعه تبدیل شد، و در گذر زمان

با رهیافت کلامی و تألیف آثار مختلف علیه تصوف بر شدت این مبارزات افزوده شد. می‌توان گفت که خودسری صوفیان قزلباش در قدرت، رواج مفاسد اخلاقی و دوره‌گردی و گدایی در میان آنان از مهم‌ترین عواملی بودند که نگاه و احساسات بدبینانه را نسبت به تصوف و صوفیان در ایران تقویت کرد (کمپفر، ۱۳۶۳، صص ۱۳۹-۱۳۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۲، صص ۲۴۴-۲۴۳؛ صفا، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۰۱).

شاید بتوان گفت که محقق کرکی نخستین کسی بود که با نوشتن رساله المطاعن المجرمیه فی رد الصوفیه به مخالفت آشکار با رفتار صوفیان عهد صفوی پرداخت. پسرش شیخ حسن کرکی نیز کتاب عمده‌المقال فی کفر اهل الضلال را نوشت و صوفیان را به کفر و بدعت‌گذاری در دین متهم ساخت. مقدس اردبیلی نیز در کتاب حدیقه‌الشیعه اعتقاد به وحدت وجود صوفیان را رد کرد و به آنان کفر و زندقه را نسبت داد. شیخ حر عاملی نیز در امل‌الآمل و رساله اثنی عشریه افکار و اعمال صوفیان را به استناد هزار حدیث رد کرده است (طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۳۴۱ و ج ۲۱، ص ۱۳۸). محمدبن محمد میرلوحی (متوفی ۱۰۸۱ق) کفایه‌المهتدی فی معرفه‌المهدی و سلوه‌الشیعه و ادراء‌العاقلین را در دفاع از امامت و رد عقاید صوفیان نوشت (مدرس تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۶، صص ۲۳۶-۲۳۵). محمدباقر مجلسی در رساله عین‌الحویه در فصل مستقلی به دشمنی با تصوف پرداخته و برخی از آداب صوفیه به مانند چله‌نشینی را مورد استهزاء قرار داده است (مجلسی، ۱۳۸۲). در حالی که در رساله دیگری به نام رساله جواب مسائل ثلاث ضمن انتقاد از تصوف از رد آن پرهیز کرده است. به همین دلیل برخی در انتصاب این رساله به وی تردید کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۹۳).

با وجود این شرایط، هیچ‌گاه فضای فکری و فرهنگی آن روزگار از وجود اندیشمندان و حکیمانی که به دفاع از عرفان و تصوف حقیقی پرداختند تهی نماند. آنان هرگز رفتارهای ناشایست دراویش و صوفیان را تأیید نمی‌کردند، اما عرفان و تصوف حقیقی را نیز در ستیز با شریعت نمی‌دیدند. از این رو، با نگارش آثار متعدد و در تعالیم خود با رویکرد کلامی، با تکیه بر عقل و یا حدیث کوشیدند تا حکمت واقعی عرفان را حفظ و به شاگردان خود بیاموزند. یکی از پیشگامان این عرصه قاضی نورالله شوشتری بود. او که در عرفان عملی و نظری متأثر از ابن عربی است در کتاب خود که به مجالس المؤمنین مشهور است فصل

ششم همان کتاب را به «عارفان و صوفیان شیعه» اختصاص داده و ارتباط فکری میان عرفان و تشیع را بسیار کهن و جداناپذیر دانسته و بر همین اساس از قدیمی‌ترین ازمان تعداد زیادی از شیعیان عارف را بر شمرده‌است. از نگاه او میان حکمت و عرفان هیچ فاصله‌ای وجود ندارد، بلکه یکی با ابزار عقل و دیگری از راه کشف و شهود به دنبال شناخت حقیقت‌اند. او تشیع و تصوف را همزادانی معرفی می‌کند که از یک سرچشمه سیراب می‌شوند و هر دو نیز به وجود امام و رهبر انتصابی اعتقاد دارند (شوشتری، ۱۳۶۵، ج ۱، صص ۱۰-۷، ۱۲۲ و ج ۲، صص ۴-۳).

میرداماد نیز که در مکتب اصفهان به مدارج بزرگ علمی دست یافته بود در حوزه فلسفه به شدت متأثر از حکمت اشراق سهروردی بود. لذا در آثارش تعلقات عارفانه آشکارا دیده می‌شد و حیات عقلانی او بر مبانی فلسفه و عرفان سازمان یافت. رساله دشوار فارسی جذوات و مواقیت العلوم او که طرح کاملی از آراء فلسفی اوست و استدلال‌های خود را بر پایه آیات قرآن، حدیث و شعر استوار ساخته بیش از سایر آثارش به جنبه‌های عرفانی آمیخته است. اما هرگز نباید دفاعیات او را از عرفان، به منزله تأیید سلوک و رسوم صوفیان کوچک و بازار زمانش تلقی کرد (نصر، ۱۳۸۳، ص ۳۶۱؛ منوچهری، ۱۳۸۰، صص ۴۸-۴۶).

شیخ بهایی نیز به عرفان گرایش داشت. اسکندریبگ ترکمان مورخ مشهور عهد صفوی او را سرآمد عالمان و عارفان در علوم باطنی و ظاهری معرفی می‌کند (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۶۷). آن اندیشمند بزرگ بر عقیده فقیهان و متکلمانی که عرفان و تصوف را مخالف راه شریعت می‌پنداشتند خرده می‌گرفت و بر بی‌اعتباری علوم ظاهری تأکید داشت. با این حال به تلفیق شریعت و طریقت همچون امام محمد غزالی می‌اندیشید و هر دو را راهی برای رسیدن به حقیقت می‌دانست (کیانی نژاد، ۱۳۶۶، ص ۱۹۵). او در رساله مثنوی گریه و موش آشکارا تقابل علوم ظاهری و باطنی را به نظم در آورده‌است، و کشف و شهود عقلانی را بر معرفت استدلالی ترجیح می‌دهد. در این اشعار گریه تمثیلی از علوم ظاهری است و موش نماد علوم باطنی (توکلی طرقی، ۱۳۹۰، صص ۶۷-۶۴؛ غفاری جاهد، ۱۳۸۹، صص ۴۳-۳۵).

میرفندرسکی حتی فراتر از میرداماد و شیخ بهایی علاوه بر احاطه‌ای که بر علوم عقلی و دینی داشت تحت تأثیر عرفان قرار گرفت. او در طی حیاتش بارها به هند سفر کرد و با

حکمت و عرفان هندی آشنا شد. مقام بلند او در عرفان به درجه ای رسید که در نزد مردم روزگار خود حکایات و کرامت‌های گوناگونی را به وی نسبت می‌دادند. او در هند با کتاب مشهور جوگ بسشت که در عرفان و حکمت هندی است و در زمان اکبرشاه، نظام‌الدین پانی پتی به فارسی ترجمه کرده بود آشنا و سخت مجذوب آن شد. میرفندرسکی پس از مطالعه آن اثر شرح نسبتاً مفصلی را در حواشی آن کتاب نگاشت که نشان از علاقه مندی شگفت‌انگیز او به حکمت هندویی دارد. وی در ادامه این کار و برای فهم دقیق حکمت عرفان هندی فرهنگ‌نامه مستقلی را به نام کشف‌اللغات جوگ در شرح و توصیف اصطلاحات هندی تدوین کرد، و نیز منتخباتی از کتاب جوگ بسشت را جمع‌آوری و متناسب با مضمون هر کدام ابیاتی را از شاعران بنام فارسی چون عطار، مولوی، شبستری، حافظ و دیگران نقل کرده است (مجتبائی، ۱۳۷۳، صص ۱۷۳-۱۶۹). او میان عرفان حقیقی و آداب و سلوک صوفیان و قلندران تفاوتی اساسی می‌دید و گاه تن‌آسایی و جهانگردی‌های بی‌حاصل آنان را در حکم مفسده‌ای اجتماعی می‌دید که به حکم برخی از شرایط قتل ایشان را واجب می‌دانست (زرین‌کوب، ۱۳۶۲، ص ۲۵۱؛ آشتیانی، ۱۳۵۴، ص ۶۴).

تکاپوهای ملاصدرا در آن دوره در دفاع از عرفان حقیقی فراتر از گام‌هایی بود که استادانش همچون میرداماد و شیخ بهایی برداشته بودند. او از یک سو، صوفیان و عارف‌نمایان زمان خود را سخت مورد سرزنش قرار می‌داد و از آنها به «بطالین» یاد می‌کرد، و مدعیان کرامات و خرق عادات را شعبده‌گران و نیرنگ‌بازانی معرفی می‌کرد که قصد فریفتن مردم را داشتند (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ص ۱۴)؛ و از سوی دیگر، منابع اصیل و جداناپذیر معرفت را عقل، وحی و شهود عرفانی می‌دید که هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانستند امکان فهم حقیقت را برای انسان محقق سازند. او با تکیه بر همین عقیده کتاب اسفار را مطابق اسفار اربعه سلوک نگاشت، و کوشید یافته‌های فلسفی را شهودی و مشهودات عرفانی را برهانی و برای هر دو مؤید و حیانی (شریعت) بیابد (فنائی اشکوری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳). او در رساله دیگری که به «سه اصل» موسوم است و ظاهراً تنها کتابی است که به زبان فارسی نوشته است ضمن انتقاد از فقیهان و متشرعانی که به ستیز با عرفان و تصوف می‌پرداختند در مقام دفاع از تصوف حقیقی که به شریعت و عقل در آمیخته، برآمده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۶، صص ۷۲-۶۳، ۹۱).

ملا محسن فیض کاشانی بیش از دیگر حکیمان و اندیشمندان روزگار خود در مقام دفاع از حکمت عرفان نظری و عملی برآمد. او هرچند که عرفان و تصوف حقیقی را از زبان استادش ملاصدرا آموخته بود، اما کنجکاوی‌های بیشتر، وی را واداشت تا در آثار و عقاید عرفانی قدما، همچون غزالی، ابن عربی، سید حیدر آملی و عبدالرحمن جامی بیندیشد و این تلاش‌های مستمر سبب شد تا رسایل متعددی را در بیان اهمیت و حقیقت عرفان و پیوستگی آن با شریعت به نگارش درآورد. وی چنانکه پیش از این نیز گفته شد یک عالم اخباری است، اما با این حال محورهای اصلی معرفت‌شناسی را در وحدت شریعت، عقل و کشف و شهود قلبی می‌دید. فیض در رساله عین‌الیقین و خلاصه آنکه به اصول‌المعارف مشهور است با استعانت از آیات قرآنی و روایات شیعه به تبیین این فکر پرداخته است. اهتمام بیشتر او را در تبیین این اندیشه باید در رسایل دیگر وی همچون زادالسالک، آداب‌السالکین، شرح صدر، المحاکمه، رفع‌الفتنه، مشواق، راه صواب، حق‌المبین و المحجبه‌البیضاء دنبال کرد. فیض در تمامی آثار خود میان صوفیان حقیقی و صوفی‌نمایان همچون عالمان واقعی و عالمان ظاهری تفاوت جدی قائل بود. در نگاه او عارف و صوفی واقعی کسی است که اهل معرفت و محبت، زهد و عبادت و آخرت است. او تصوف را گوهر دانش و میراث انبیاء می‌دانست. از این رو شدیداً از متشرعانی که در پی آزار و اذیت صوفیان حقیقی بودند انتقاد می‌کرد. چنانکه در برابر اعمال و آداب نابخردانه‌ای که در جماعت صوفیان نیز رواج داشت سکوت اختیار نمی‌کرد، بلکه دو رساله مستقل او که به الانصاف و الحقایق مشهور است و در واپسین سال‌های حیات خود نوشته است سراسر انتقادهای تندی است از سلوک و آداب ناپسند آنان که هیچ نسبتی با شریعت و سلوک حقیقی عارفان ندارد (امامی و اکبری چناری، ۱۳۹۱، صص ۲۲-۱؛ ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷).

از دیگر متکلمانی که در این دوره دارای تمایلات صوفیانه بوده و به دفاع از آن پرداخته است محمدتقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰ق) است. او عرفان را از شیخ بهایی آموخت، و رساله تشویق‌السالکین را با دو رویکرد جداگانه که هم مبتنی بر دفاع از تصوف حقیقی است و هم متکی بر انتقاد از صوفیان کوچک و بازار است به نگارش درآورد. حمایت‌های او از تصوف حقیقی با واکنش ملا محمدطاهر قمی رویرو شد، و شخص اخیر رساله الفوائد‌الدینییه و تحفه‌الاخیار را در رد فلسفه و عرفان تألیف کرد. مجلسی نیز واکنش نشان

داد و با نوشتن رساله مستقل دیگری به رد آراء قمی در حوزه تصوف پرداخت (مجلسی، ۱۳۷۵؛ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، صص ۲۰۸-۲۰۷). ملاعبدالرزاق لاهیجی (متوفی ۱۰۷۲ق) نیز که همچون فیض کاشانی نسبت دامادی ملاصدرا را داشت از معرفت عرفانی بی بهره نبود. هرچند که مقام او در این راستا به پای آن دو فرهیخته نمی رسید. با وجود این در مقدمه کتاب گوهر مراد خود که در علم کلام است آشکارا به طرح عقیده خود درباره عرفان و تصوف می پردازد و راه باطن را که مشی عارفان تشکیل می داد اساس بعثت و تعالیم انبیاء می دانست. او نیز بر آداب صوفیه بدبینانه می اندیشید، اما عرفان را بالاترین مراتب معرفت شناخت دین و شریعت می شناخت (لاهیجی، ۱۳۶۴، صص ۱۲-۱۱، ۳۶۸-۳۶۵). قاضی سعید قمی (متوفی ۱۱۰۳ق) نیز که از شاگردان فیض و لاهیجی بود به شدت متأثر از دو استاد خود به عرفان گرایش یافت، و او شاید جزء نخستین کسانی بود که در آثار حدیثی خود که به الاربعین، اسرارالعبادات و شرح مفصل او بر کتاب توحید شیخ صدوق مشهور است، روایات امامان شیعه (ع) را به روشی عارفانه شرح داده است (پازوکی، ۱۳۸۲، ج ۷، صص ۳۹۱-۳۹۰).

۶-۲. کلام دینی و مبشران مسیحی

یکی از اتفاقات مهم در دوران صفوی حضور مبلغان فرقه های مختلف مسیحیت همچون فرانسیسکن، دومینیکن، آگوستین، کارملیت، ژزوئیت و کاپوسن بودند. آنان در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران به ویژه در اصفهان فعالیت دینی داشتند و گاه به موجب فرامین حکومتی در انجام مناسک مذهبی خود آزادانه عمل می کردند (بهرام نژاد، ۱۳۷۷، ص ۳۷). این موضوع واکنش عالمان دینی را به همراه داشت، به ویژه از سوی متکلمان در دفاع از عقاید اسلامی شیعه و رفع شبهاتی که از سوی مبلغان در میان مسلمانان رواج داده می شد نوشتجات مستقلی را در رد عقاید مسیحیت نوشتند و بدین صورت باب تازه ای را در مباحث کلامی گشودند. یکی از آنان میر احمد علوی است. از او در این باره سه کتاب مهم را می شناسیم. نخست کتاب لوامع ربانی در رد شبه نصرانی است که به کتاب اللوامع الالهیه مشهور است. علوی در این کتاب با رویکرد کلامی - فلسفی به رد آراء ضد اسلامی پیترو دلاواله پرداخته است. آرائی که آن سیاح ایتالیایی در زمان شاه عباس اول و در سال (۱۰۳۱ق) علیه عقاید اسلامی نوشته و در روم منتشر ساخته بود. دومین کتاب وی صواعق رحمان نام

دارد که با تکیه بر همان روش به رد عقاید یهود و اثبات تحریف کتب تورات و زبور و سایر صُحُف بنی اسرائیل پرداخته است. اما مهم ترین کتاب کلامی وی در این حوزه مِصقل صفا در تجلیه آینه حق نما نامیده می شود که در سال (۱۰۳۲ق) به نگارش درآورد. این اثر در واقع نتیجه واکنش علوی در برابر کتابی بود به نام آینه جهان نما که یک مبلغ مسیحی یسوعی به نام ژرومه گزایه در دفاع از تثلیث و مخالفت با عقاید اسلامی در هند نوشته و به جهانگیرشاه هدیه کرده بود. علوی در کتاب مِصقل صفا نیز با تکیه بر روش کلامی - فلسفی به رد تثلیث و دفاع از اسلام پرداخت و در همان زمان، کار وی در میان مسیحیان و متکلمان مسلمان بازتاب وسیعی یافت. چنانکه دو عالم مسیحی به نام‌های بوناوتورا مالواسیا و فیلیپ گواداگولی هر کدام کتابی در رد عقاید کلامی علوی نوشتند و در طی سالهای (۱۶۳۱-۱۶۲۸ م. / ۱۰۴۱-۱۰۳۸ ق) در روم منتشر ساختند (حائری، ۱۳۶۷، صص ۴۷۱، ۴۷۳؛ جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، صص ۹۸۰-۹۷۲؛ علوی عاملی، ۱۳۷۳).

ظهیرالدین علی بن مرادخان تفرشی (متوفی ۱۱۲۰ق) نیز یکی دیگر از اندیشمندان است که پس از یک مناظره با کشیشی مسیحی به نام گبرائیل افرنجی در تقلیس که در حضور والی کاخ، شاه نظرخان و تعدادی از مسلمانان و کشیشان مسیحی در خصوص تولد عیسی (ع) و اعتقاد به تثلیث انجام گرفت رساله مستقلی را بر پایه دلایل عقلی و نقلی به نام نصره الحق در رد عقاید مسیحیان تدوین کرد. اصل کتاب به زبان عربی نوشته شد، اما تفرشی آن را به درخواست شاه سلیمان به فارسی ترجمه کرد (خاتون آبادی، ۱۳۵۲، ص ۲۷۳؛ طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۳۲؛ امین، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۴۰۵). همچنین، ترجمه اناجیل اربعه از عربی به فارسی توسط محمد باقر خاتون آبادی (متوفی ۱۱۲۷ق) همراه با تعلیقاتی که وی در نقد و رد عقاید مسیحیت بر کتاب افزوده نمایانگر شکل دیگری از فعالیت عالمان عهد صفوی در حوزه علم کلام است که به پیشنهاد شاه سلطان حسین انجام گرفت (خاتون آبادی، ۱۳۵۲، صص ۵۲۱، ۵۵۷-۵۵۲؛ خاتون آبادی، ۱۳۷۴، مقدمه).

۶-۳. مسیحیان نومسلمان شیعی و فعالیت‌های کلامی آنها

فعالیت‌های کلامی در دوران صفوی و در رد عقاید مسیحیت تنها به عالمان ایرانی محدود نبود، بلکه گاه برخی از مبلغان مسیحی نیز، پس از تغییر کیش و ایمان آوردن به اسلام و مذهب تشیع، با بهره‌مندی از دانش خود به تألیف آثار مستقلی در دفاع از عقاید اسلامی و

رد آیین مسیحیت اهتمام می‌ورزیدند. یکی از مهم‌ترین آنان کشیش اگوستینی به نام آنتونیو دو ژزو پرتغالی است که به همراه یک گروه از کشیشان اگوستینی در زمان شاه سلیمان وارد ایران شد تا به تبلیغ مسیحیت پردازند. او در سال (۱۱۰۳ق/ ۱۶۹۱م.) در اصفهان بود و در سال (۱۱۰۸ق/ ۱۶۹۶م.) به ریاست دیر اگوستینی‌ها برگزیده شد؛ اما یک سال بعد (۱۱۰۹ق/ ۱۶۹۷م.) مسلمان شد و نام علی قلی بیگ را برای خود برگزید و به عنوان مترجم، سالها در دربار شاه سلطان حسین خدمت کرد، و احتمالاً بعد از سقوط اصفهان به دست افغانه از دنیا رفته است. از او دو کتاب مهم در رد عقاید مسیحیت باقی مانده که به روش رایج در علم کلام شیعه نوشته شده است. یکی کتاب هدایه الضالین و تقویه المؤمنین است که به شاه سلطان حسین اهداء کرده، و در آن به رد اصول و فروع دین نصارا و اثبات خاتمیت پیامبر (ص) و امامت و مهدویت در عقاید شیعه پرداخته است (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، صص ۱۰۰۷-۱۰۰۵). دیگری سیف المؤمنین فی قتال المشرکین نام دارد که در واقع ترجمه‌ای از متن عربی سِفر پیدایش تورات است که در سال (۱۰۸۱ق/ ۱۶۷۱م.) از سوی یکی از پادریان مسیحی در روم چاپ و در بلاد اسلامی منتشر شده بود. علی قلی بیگ در مقدمه آن کتاب آورده چون آن کشیش مطابق با عقاید نصارا و با تغییر و تحریف لغات، کتاب مقدس را به عربی ترجمه کرده است، لذا او در صدد ترجمه صحیح و دقیق آن به فارسی برآمده تا عالمان مسلمان در استناد به آن کتاب بتوانند بر پایه ادله صحیح به رد عقاید مسیحیت پردازند. از این رو، مترجم در کنار ترجمه متن، نقدهای کلامی فراوانی را علیه عقاید مسیحیت وارد کرده، و بدین طریق آن را به یک اثر مستقل کلامی تبدیل ساخته است (جدیدالاسلام، ۱۳۸۲، مقدمه).

۷. نتیجه‌گیری

دفاع از مشروعیت مذهبی دولت صفوی ضرورت گسترش فعالیت‌های کلامی شیعه در میان اندیشمندان شیعه را بیش از گذشته به یک هدف راهبردی تبدیل ساخته بود. تسنن‌زدایی از جامعه، بیرون راندن تصوف انحرافی از ساختار سیاسی و اجتماعی و تفکیک آن از عرفان و تصوف راستین، و تقابل با تبلیغات نوپای فرقه‌های کاتولیکی مسیحیت در ایران طرح مباحث کلامی به ویژه با تأکید بر موضوعاتی چون نبوت، امامت، معصومیت

امام و استمرار ولایت به استحکام مذهب و تقویت طبقه دینی در جامعه صفوی کمک مؤثری کرد. این توفیقات را نمی‌توان بیرون از روش‌های کاربردی در تبیین آن باورها مورد تحلیل قرار داد. به نظر می‌رسد جدال میان متکلمان در انتخاب روش‌های علمی، فعالیت‌های کلامی را بیشتر رونق بخشید، و سطح تولیدات کلامی آن دوره را افزون‌تر از گذشته ساخت، و از همه مهم‌تر میراث به جای مانده تا سده‌های متمادی حوزه‌های تعلیم و تربیت را متأثر از آن ساخت. افزون بر این، آثار به جای مانده نشان می‌دهد که غلبه روش و تفکر اخباری‌گری بر محیط کلامی مانع از آن نشد تا کلام عقلی از حرکت تاریخی خود بازماند، بلکه با ابتکارات عقلی و فلسفی ملاصدرا بر این حرکت روح تازه‌ای دمیده شد و تنها چند دهه بعد از سقوط صفویه، کلام عقلی توانست جایگاه برتر خود را در مراکز آموزشی ایران بدست آورد.

کتاب‌نامه

- استرآبادی، محمدامین (۱۳۶۳)، فوائدالمدنیه، قم: دارالنشر لأهل‌البیت.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۵۴)، منتخباتی از آثار حکمای ایران از میرداماد و میرفندرسکی تا عصر حاضر، تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران.
- افندی، عبداللہ بن عیسی بیگ (۱۴۰۱ق.)، ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، تحقیق احمد د-الحسینی، به اهتمام محمودالمرعشی، ۲ مجلد، قم: مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی.
- امامی، علی اشرف و اکبری چناری، علی (۱۳۹۱)، «تأملی در نگرش فیض کاشانی به عرفان و تصوف»، پژوهشنامه عرفان، بهار و تابستان، شماره ۶.
- امین، سیدمحسن (۱۴۰۶ق.)، اعیان‌الشیعه، به تحقیق حسن امین، ج ۲، ۶، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بهرام‌نژاد، محسن (۱۳۷۷)، «سفرنامه‌های اروپاییان در عصر صفویان (۹۰۷-۱۱۴۸ق.)»: پژوهشی در نخستین منابع ایران‌شناسی»، کیهان اندیشه، شماره ۷۸، خرداد و تیر.
- بهشتی، ابراهیم (۱۳۹۰)، اخباری‌گری (تاریخ و عقاید)، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- پازوکی، شهرام (۱۳۸۲)، «تصوف»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۲)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، زیر نظر با تنظیم فهرستها و مقدمه ایرج افشار، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

تأملی تاریخی بر سیر منطق سینوی در عصر صفوی ۱۸۳

توکل طرقي، عبدالحسين (۱۳۹۰)، «شيخ بهایی فقيه عارف و دانشمند شاعر»، کیهان فرهنگی، خرداد و تیر، شماره ۲۹۴ و ۲۹۵.

جدیدالاسلام، علی قلی (۱۳۸۲)، شرح و نقد سفر پیدایش تورات: سیف المؤمنین فی قتال المشرکین، به کوشش رسول جعفریان، قم: انصاریان.

جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ۳ ج، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
حائری، عبدالحسين (۱۳۶۷)، نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۵ق.)، امل الآمل، ۲ ج، نجف: مکتبه الاندلس - بغداد.

حسینی نقرشی، سیدمیر مصطفی (۱۴۰۴ق.)، نقدالرجال، قم: آل البيت.

حیدرزاده، توفیق (۱۳۷۵)، «مهاجرت علمای ایران به امپراطوری عثمانی و انتقال سنتهای مدارس ایرانی به آن سرزمین»، فصلنامه فرهنگ، زمستان، شماره ۲۰.

خاتون آبادی، سیدعبدالحسين حسینی (۱۳۵۲)، وقایع السنین والاعوام، مصحح محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

خاتون آبادی، محمدباقر (۱۳۷۴)، اناجیل اربعه، به کوشش رسول جعفریان، تهران: میراث مکتوب.

خواندمیر، غیاث الدین بن همادالدین (۱۳۳۵)، حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، با مقدمه جلال الدین همایی، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ج ۴، تهران: خیام.

رضوی، رسول (۱۳۸۵)، «ادوار تاریخی علم کلام»، معارف عقلی، پاییز، شماره ۳.

زرین کوب، عبدالحسين (۱۳۶۲)، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.

شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۶۵)، مجالس المؤمنین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۷۶)، رساله سه اصل، به اهتمام محمد خواجوی، تهران: مولی.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی، ج ۵، تهران: فردوس.

طهرانی، شیخ آقابزرگ (۱۳۷۲)، طبقات اعلام الشیعه قرن ۱۱، تحقیق علینقی منزوی، تهران: دانشگاه تهران.

طهرانی، شیخ آقابزرگ (۱۴۰۸ق.)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ۷، ۱۰، ۱۵، قم و تهران: اسماعیلیان، کتابخانه اسلامیة.

عالم آرای صفوی (۱۳۶۳)، به کوشش یدالله شکری، تهران: مؤسسه اطلاعات.

علوی عاملی، احمدین زین‌العابدین (۱۳۷۳)، مصقل صفا: در نقد کلام مسیحیت، مقدمه و تصحیح و تعلیق حامد ناجی اصفهانی، با اهتمام و مقدمه مختصر جمال‌الدین میردامادی، به‌انضمام گفتار حسن سعید، هنری کرین، قم: امیر.

غفاری جاهد، مریم (۱۳۸۹)، «دل در تصرف عقل (پژوهشی در موش و گربه شیخ بهایی)»، فردوسی، تابستان و پاییز، شماره ۸۵ و ۸۶.

فنائی اشکوری، محمد (۱۳۸۹)، «عرفان متعالی (دیدگاه و جایگاه عرفانی ملاصدرا)»، خردنامه صدرا، زمستان، شماره ۶۲.

قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل (۱۳۵۸)، نقض معروف به بعض مطالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض»، تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: خوارزمی.

کیانی‌نژاد، زین‌الدین (۱۳۶۶)، سیر عرفان در اسلام، تهران: اشراقی.

لاهیجی، عبدالرزاق بن علی (۱۳۶۴)، گزیده گوهر مراد، به کوشش صمد موحد، تهران: طهوری.

اللجنة العلمیه فی مؤسسه الامام الصادق (ع) (۱۳۸۳)، معجم طبقات المتکلمین، تقدیم و اشرف جعفر سبحانی تبریزی، ج ۳-۵، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷)، فرقه‌های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر.

مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۷۳)، «ابوالقاسم فندرسکی»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲)، عین‌الحویه، تصحیح سیدعلی محمد رفیعی، تهران: قدیانی.

مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۳۷۵)، رساله تشویق السالکین، تهران: نور فاطمه (س).

مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۹۱)، ریحانه‌الادب فی تراجم‌المعروفین بالکنیه او اللقب یا کنی و القاب، ج ۳، ۶، تهران: خیام.

ملاصدرا (۱۳۸۱)، کسر اصنام الجاهلیه، به کوشش محسن جهانگیری، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

منوچهری، حسین (۱۳۸۰)، «جذوات و مواقیب اثری عرفانی و فلسفی از میرداماد»، نشر دانش، سال هجدهم، پاییز، شماره ۳.

ناجی نصرآبادی، محسن (۱۳۸۷)، فیض نامه، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۳)، سنت عقلانی اسلامی در اسلام، ترجمه سعید دهقانی، تهران: قصیده سرا.

تأملی تاریخی بر سیر منطق سینوی در عصر صفوی ۱۸۵

نعمانی، شبلی (۱۳۲۸)، تاریخ علم کلام، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۱، تهران: رنگین.

همایی، جلال الدین (۱۳۶۳)، تاریخ علوم اسلامی، تهران: صنوبر.